

باختر امروز

مؤسس : شادروان دکتر سید حسین فاطمی
 نشره سازمانهای جبهه ملی ایران در خارج از کشور
 (بخش خاورمیانه)

شماره ۲۶ سال دوم پنجمه اول خرداد - ۱۳۰۱

« جریده باختر امروز »
 نشرة
 منظمات الجبهة الوطنية الايرانية
 في الشرق الاوسط
 العدد السادس والعشرين
 السنة الثانية
 المرحلة الرابعة
 حزيران ۱۹۷۲



مهندس رسول مشکین فام



مهندس علی باکری



محمود عسکری زاده



مهندس اصغر بدیع زادگان



مهندس محمد حنیف نژاد

زننده باد دلاوری خلق

نوکران بیگانه را در وطن ما بوحشت اذاحت و آن جنایتکاران بار دیگر با خون رفقای انقلابی ما یک سینه دم خونین دیگر ساختند . رژیم شاه اعلام کرد که پنج رزمنده سازمان مجاهدین خلق ایران ، علی اصغر بدیع زادگان و چهار شهید دیگر با هم اعدام شدند . در صورتیکه چنین نبود ، علی اصغر بدیع زادگان از رهبران قهرمان این سازمان مدتها پیش زیر شکنجه های غیر انسانی دژخیمان شاه شهید شده بود و پس از مدتی نام او را در کنار چهار انقلابی شهید دیگر اعلام کردند . این شیوه شناخته شده آنان نیز سابقه دارد . بارها این جنایتکاران فرزندان تسلیم نشدنی خلق را در زیر شکنجه های قرون وسطانی خود شهید کرده اند و بعدها آنان را در زمره تیرباران شدگان یا شهدای جنگهای خیابانی اعلام کرده اند . علی اصغر بدیع زادگان بجرم ایستادگی کوه ماندنش و بجرم اینکه برقیان مجاهدش خیانت نکرد ، در زیر شکنجه شهید شد و این تنها هدیه ای است که ارتجاع هاز محمد رضا شاهی برای انقلابیون وطن ما دارد .

در شهر غمگین که هدیه از برای مردم دلتنگ از کاشهای دور یا نزدیک هر روز در کبهان صدای بلب و نازنجک پاشیدن خون برادرهایمان بر خاک آوای زنجیر و صدای پای زندانی است آدم چگونه میتواند دست روی دست بنشیند بار دیگر چهار نفر از ارژنده ترین فرزندان خلق ما را بگلوله بستند ، بار دیگر جنایتکاران آدمکش دستهای ناپاک خود را بخون پاک برادران رزمجوی ما آغشته و برای خوشامد امیرالیهستهای غارتگر ، خلق زحمتکش ما را مصیبت زده کردند . نیکسون میخواست وارد ایران شود و این سنت محمد رضا شاه بوده که عزیزان مردم را بر سر راه او قربانی کند . یاد شانزدهم آفر سال ۳۲ و قربانی شدن سه دانشجوی مبارز دانشگاه ، قندچی ، رضوی و بزرگنیا بدست محمد رضا شاه هنگام ورود همین نیکسون و بجرم آزادگی و مخالفت با نفوذ بیگانه در ایران ، هنوز در خاطره ها زنده است . و اینبار نیز خون این انقلابیون شهید باز بهمان جرم و بدست همان جلادان ریخته میشود .

محمد رضا شاه به وحشیانه ترین وجهی میکوشد موج نوین مبارزات را در وطن ما سرکوب کند . اینهمه تیربارانها و جنایات بامید سد کردن راه مبارزه است و ترساندن فرزندان خلق از ادامه مبارزه . اما همیشه نتیجه معکوس داده است . هنوز چند روزی از شهادت این مجاهدین خلق نگذشته بود که با ورود نیکسون ، تهران بخود جوشید . خون شهدای دایر ما نبض تهران را به طبعش واداشت و رفیقان راه این دلوران ایضا انفجارهای پی در پی و با سنگسار کردن ارباب جنایتکار محمد رضا شاه نشان دادند که خلق ایران ، خلق کبیر و دلاوری است و نبرد این قهرمانان تا پیروزی قطعی انقلاب ادامه خواهد داشت .

رفقای شهید ، محمد حنیف نژاد ، محمود عسکری زاده ، سعید محسن و عبدالرسول مشکین فام از رزمندگان سازمان مجاهدین خلق ایران بودند ، سازمانی که تاکنون بیش از صد نفر از زنده ترین اعضایش بدست پلیس جنایتکار محمد رضا شاه افتاده اند ، چندین نفر شهید داده است . چهار انقلابی دایری که در خرداد ماه بگلوله مزدوران امیرالیهستم سپرده شدند همچون همه رفقای رزمجوی دیگر خود با ایستادگی دلیرانه خویش در برابر دشمنان مردم حماسه ای فراموش ناشدنی آفریدند .

انقلابیون ایران قبر رضاخان قلدر ، پایه گذار استعمار نوین در ایران را نیمساعت پیش از ورود نیکسون بانجا با دو بمب ویران ساختند . چندین موسسه امریکائی را بمب گذاری و منفجر کردند ، زیر ماشینی رئیس مستشاران امریکا بمب گذاشتند . یک موسسه جاسوسی انگلیس و شرکت نفت ایران - ایتالیا را منفجر کردند و کار بجائی رسید که سخنگوی کاخ سفید واشنگتن رونالد زیگلر گفت در سراسر تهران با بمب از نیکسون استقبال کردند . این مبارزات را خون قهرمانان شهید سازمان داد . مردم عزیزان خود را فراموش نمیکنند . خون شهیدان عزم رزمجویان را آهنین تر و کینه مقدس آنان را نسبت بدشمن افزون تر میکند .

رفقای انقلابی ما ماهها شکنجه های محمد رضا شاهی را تحمل کردند بارها تا مرز شهادت رفتند اما پای از جاده خلق نگرداندند . در صف خلق ایستادند و به همه تهدید و تطمیع های محمد رضا شاه بوخند زدند و بیمان خود را با خلق خویش نگهداشتند .

سیر مبارزات اوج گرفته خلق ما این واقعیت را نشان میدهد که مبارزه خلق تا پیروزی انقلاب ادامه دارد و تاریخ خلق ما مشحون از این حماسه ها خواهد بود . افتخار بشهیدان راه خلق که باخون خود درستی راه خویش را با ثبات رساندند .

رفقای انقلابی ما در بیدارگاه محمد رضا شاه پس از تحمل ماهها شکنجه وحشیانه و طاقت فرسا استوار و بی تزلزل ایستادند ، از اندیشه انقلابی خود ، از مبارزات گذشته خود و از راه آینده خود دفاع کردند . رفقای انقلابی ما در هر حال در جریان مبارزه ، در دوران زندان و شکنجه و در بیدارگاههای شاه مدام بیک امر اندیشیدند و آن امر انقلاب بود ، امر انقلاب توده های زحمتکش وطن ما ، امر انقلاب میلیونها انسان گرسنه ای که خود نقش پیشسازی آنرا بعهده داشتند . رفقای انقلابی ما با امر انقلاب زحمتکشان ، توده های گرسنه خلق و به راه مقدس خود تا آخرین نفس پایبند ماندند و دشمنان خلق را با همه ابزارهای جنایتشان بهیچ گرفتند ، این همه ایستادگی و پایمردی ،

به انقلاب ایران یاری رسانید

وشنه یکی از مبارزین انقلابی ایران

راه هزار فرسنگ یا یکقدم آغاز میشود مهم داشتن قدم اول است و این قدم اول را پیشااعتکاران خلق در طی یکی دو سال گذشته در ایران باطنانند . وظیفه میرمی که در برابر مبارزان و همه باد خلق قرار دارد ادامه راه است . استمرار مبارزه مسلحانه است بیمودن راه مبارزه مسلحانه بدون شک دشواریها و فداکاریها همراه است وهم فقط در این راه است که انسان معجزه خود را به بهترین وجه میتواند بیوت برساند . همانگونه که جنگ خلق در ویتنام برای درآوردن عظیمترین ماشین جنگی تاریخ بحق در هیچ اعجازهای بشریت قرار دارد . جنگ انقلابی در ایران برای نخستین خود را بر داشته و براه افتاده است . راه افتادن همان اندازه که امید انگیز است از لغزش هم دور نیست . کودک که براه میافتد گاه بزمن میخورد و مرکز پدر و مادر کودک از لغزش او دچار پاس میشود . گاه دست و پا و سر کودک میشکند ولی عکس عمل پدر و مادر چیزی جز این نیست که بگویند بزرگ برآمد شد باز هم دست او را بگیرند و راه ببرند او را همین بحرکت میکنند و مرکز از راه رفتن او مایوس میشوند میدانند که زمین خوردنهای کوچک بقسدرت استحکام جسمی و روحی او خواهد افزود . مبارزه برای قدمهای اولیه اش با وضع براه افتادن کودک شباهت دارد . توده های خلق پدر و مادر مبارزه هستند . مبارزه مسلحانه عموماً از تجربه کافی برخوردار نیست برشتهای خواهد داشت هیچ راه دیگری برای ییاد رفتن مبارزه جز خود مبارزه نیست . شنا را باید در خود آب یاد گرفت باید خود را بآب زد . باید کمی ترس خوردن آب شور را تحمل کرد ولی سرانجام یاد گرفت . برای همین مدت کوتاهی که از آغاز مبارزه مسلحانه ایران میگذرد و قربانیهایی که در این راه داده شده است تجارب فراوان بدست آورده است تجاربی که به هیچ نسبت دیگر حاصل نمیشد .

شروع مبارزه مسلحانه بعنوان تنها راه نجات خلق از استعمار و استثمار درهای تازه ای بر روی سطح فکری و عملی مردم ایران کشود زیرا در شرایطی است که اراده انسان ، ایمان و محبت او به خلق و نفرت او نسبت به دشمنان خلق رخ مینماید ، شکند و رشد مینماید و سر انجام مگر حاصل عمر سال جز تکامل چیز دیگری هست ؟ عمل مسلحانه علیه انسان خلق عالیترین زمینه ای است که انسان در آن میسازد . عباس مفتاحیها و علی میهن دوستها تکامل را در عرض عمر یافته اند نه در طول عمر و این امر نیز نتیجه اش مرکز باطول عمرهای معمولی قابل مشاهده نیست .

پیشااعتکاران خلق چنین راهی را طی میکنند . اکنون هم وظیفه مردم عادی در این میان چیست ؟ بیشک برادر ایران شرایطی فراهم نیامده است که همه مردم به تعقیب آزادی در عمل مسلحانه شرکت داشته باشند امر بشریایی عینی و ذهنی فراوان و گذشت زمان باعث زیاد احتیاج دارد ولی در شرایط کنونی هم همه میبوینها انسان که بنحوی میل دارند به مبارزه مبارزان کمک کنند ولی نمیتوانند چگونه . میل دارند

پیروز باد انقلاب دمکراتیک ملی

به انقلاب ایران یاری رسانید

که در راه نجات و میهن از دست بدبختیهای فراوان سهمیم باشند، از رژیم دست نشانده شاه، از دشمنانهای مستقیم و غیر مستقیم امریکا و اسرائیل در سرنوشت مردم بشدت نگرانند و خود را مسئول میدانند ولی نمیدانند چه کنند، میل دارند از فرزندان برومند خود که دسته دسته شهادت میسرند و بزندان میافتند و در زیر شکنجههای طاقت فرسای آربامهری همچنان از هدفهای خلق دفاع میکنند جانبداری نمایند ولی نمیدانند چه کنند.

ما در اینجا کوشش میکنیم برخی از شیوههای کمک به انقلاب و انقلابیون در شرایط کنونی ایران را در اختیار بگذاریم.

۱ - نگذارید روحیه یاس و بد بینی بر شما حاکم شود. رژیم شاه با دغلکاریهای فراوان و استفاده از تجارب ضد انقلابی اربابان امریکائی و اسرائیلی خود میکوشد شما را نسبت بسر نوشتن مبارزه مسلحانه بدبین کند. جاسوسان خود را بنوشتن مقاله وامهدارد، کوتاه نظران و کم جرأتان و انقلابی نمایان را به مصاحبه مطبوعاتی و تلویزیونی وامیدارد، دروغهای هینلری بهم میبافد، بانقلابیون تهمت همکاری با رژیم را میزند. برای مصاحبه کردن انقلابیون را در زیر شکنجه میکشد به فرزندان برومند و مخلص خلق تهمت همکاری با بیگانه میزند و هزاران خیمه شب بازی براه میاندازد، برای يك منظور: مایوس کردن مردم از انقلاب و مبارزه مسلحانه. در هر فرصتی که دستدهد، در گفتگوهای خصوصی و غیره اگر چنین روحیهای را در بین دوستان و آشنایان دیدید سعی کنید با آن با زیرکی مبارزه کنید، آنها را بدشواری مرحلهای از خلق ما در آن قرار دازد توجه دهید. مردم نباید بپذیرند که آزادگی از آن بدست میآید. در چین ۲۷ سال جنگ انقلابی با شدت و خشونت ادامه یافت در الجزایر در طی ۷ سال روزانه بطور متوسط ۵۰۰ کشته دادند، و همینطور در ویتنام و جاهای دیگر. یاس را از خود دور کنید،

نگذارید برنامه اهریمنی رژیم هرچه بیشتر شکست بخورد قهرمانی مردان و زنان را که در بین ملت های زنده وجود داشته و فداکاریهای بی نظیری را که در مورد فرزندان شان کرده اند بخاطر آوردید در فلسطین به مراسم تشییع شهدا میگویند «عروسی» و در پشت جنازه شهدا زنان هلهله شادی میکشند. هیچکس بر کشتهها نمیگریه در پاسخ خبر شهادت دوستان و فرزندان شان میگویند «در راه خدا، در راه انقلاب، در راه وطن» بارها دیده شده که مادران از پوشیدن لباس سیاه در مرگ عزیزانشان که در جنگ کشته شده اند امتناع ورزیده اند نمونه هائیکه در خود ایران دیده شده کم نیست. شریفزاده دانشجوی دانشکده فنی که در جنگ کردستان در چند سال پیش شهادت رسید مادرش در عزای او گریه نمیکرد فقط يك جمله را با افتخار و صدای بلند بهمه میگفت «شکر خدا که جرم نشد» بنظر این مادر دلیر، مردن در رختخواب برابر حرام شدن است. پدر شهیدان عزیز مسعود و مجید احمد زاده که خود نیز در زندان شاه بسر میبرد در جواب کسانی که به تسلیت او آمده بودند گفته بود بهمه تان تبریک میگویم. احمد رضائی شهید مگر نه مادرش باو پیغام داده بود که حق نداری سلاحت را از خودت دورکنی تا دم مرگ مقاومت کن، انصاف بهمه این تکامل نیست که در مرد و زن ایرانی پدید آمده؟ مادری که در شرایط سکوت و خفقان، ممکن است برای سرماخوردگی فرزندش گریه کند و از مسافرت کردن فرزندش اشک بریزد امروز در مرگ او اشک نمیریزد. این مقاومت، این قهرمانی صرفا در طول جنگ مسلحانه که باید از خلق بنصه ظهور میرسد. این نمونه هاست که باید از خلق بخواهیم.

بیاموزیم همین است. معنی جمله خلیف بزرگترین آموزگار است نیز چیزی جز این نیست عکس العمل این پدران و مادران یاس شکن است از اینها باید آموخت، باید به آینده مبارزه و بشکوفانی آرمان خلق امیدوار بود. تکرار میکنیم بهر وسیله با یاس در خود و دیگران مبارزه کنید. هیچ ضربه ای برای رژیم دردناکتر از امیدوار بودن به مبارزه مسلحانه نیست. وقتی امیدوار بودند عمل خواهند کرد و ریشه ستم را بر خواهند کند.

۲ - بهر وسیله ممکن بمبارزانی که تحت تعقیب پلیس هستند کمک کنید. اگر دیدید مبارزی دارد از

جنگ پلیس فرار میکنند راه فرار را بسرای او باز کنید و با شلوغ کردن، پلیس را گمراه کنید. اگر اطلاع یافتید که مبارزان به خانه امن، به جایگاهی برای اقامت کردن، گذاشتن سلاح و ذخیره و کتاب و غیره احتیاج دارند، برای آنها فراهم کنید به آنها کمک مالی کنید، آنها جان خود را مایه میگذارند شما مالتانرا هر دو مکمل یکدیگرند. در صورت لزوم اتومبیل یا وسایل و امکانات دیگرتانرا در اختیار مبارزان بگذارید. در صورت امکان برای آنها محل شغل جور کنید. بعنوان شاگرد مغازه یا کارگر فلان کارگاه بپذیرید. انقلاب در هیچ جا جز با شرکت مردم بشر نرسیده، باید کاری کرد که انقلابیون خود را در میان مردم، خود را همچون ماهی دو درون آب حس کنند نه چون ماهی بین ماهیخواران. مبارزه فدائیان فلسطینی در سرزمینهای اشغالی جز با حمایت بیدریغ مردم میسر نبوده و نیست در ایرلند همینطور و نیز در همه جای دنیا.

۳ - اخبار عملیات چریکها را بهر وسیله که میدانید پخش کنید. بصورت شایعه با نوشتن کلماتی سریع و کوتاه روی دیوارها، با تکثیر اخبار بصورت تراکت و اعلامیه های کوچک. جنایات رژیم را علیه انقلابیون افشا کنید بهر وسیله ممکن اخبار را بخارج بفرستید. در این کارها البته باید مسائل امنیتی را بخوبی رعایت کنید هیچگونه امضای یا رد پائی از خود بجا نگذارید. آدرس خودتانرا قلابی بنویسید. فرستادن اخبار بخارج به رسوا کردن رژیم بسیار کمک میکند. همین اخبار مختصر که از فجایع رژیم شاه در خارج از ایران پخش شده آبرویی برای رژیم شاه باقی نگذاشته و در دنیا کسی نیست که از واقیعت فاشیستی رژیم شاه بی خبر باشد. رژیم شاه بارها مجبور شده در برابر افکار عمومی خارجی از خود ابلهانه دفاع کند و ماهیت خود را بیشتر بشناساند. همچنین مردم و آشنایانرا با زرنگی بشنیدن رادیهایی که جنایات رژیم را پخش میکنند دعوت کنید بگذارید صدای حق طلبان هر چه بیشتر طنین انداز باشد. و توطئه رژیم در هم بشکند.

۴ - اگر چه بخاطر عملیاتی که علیه رژیم انجام گرفته و میگردد و باموج زندانیها و اعدامها مسأله مبارزه بصورت مسأله روز در آمده است ولی کاری کنید که دامنه و عمق این احساس مردم هرچه بیشتر گردد. کتب و نشریات مخفی را بدهید دیگران هم بخوانند اعلامیه یا خبری را که خوانده اید در خانه نگه ندارید. آنها آرام بداخل يك خانه مغازه یا اتومبیل بیاورید. تا مردم همگی مطلع باشند. بیشتر اینکارها را با کمی هوشیاری و زرنگی میتوان بدون ذره ای خطر انجام داد.

۵ - پلیس را سعی کنید گمراه کنید. سعی کنید اطلاعات دروغین در اختیارش بگذارید وقتی بدنبال کسی میگردد تعین کسی را اعلام میکنند و برای دستگیری او جایزه تعیین میکنند شما با تلفن، البته تلفن عمومی، سراغ چنان کسی را در گوشه های مختلف شهر و یا حتی جاهای مختلف کشور بهمید. پلیس را گیج کنید، خسته کنید. توجه کنید در کلیه موارد فوق و موارد مشابه آن که بنحوی از انحاء به کمک انقلاب و ضرر ضد انقلاب یعنی بکمک دوستان خود و بر علیه دشمنان کار میکنید و به ابتکار خود به عملیاتی دست میزنید. هیچ لزومی ندارد که کسی دیگری هم بداند که شما چنین کاری میکنید بهتر است که فقط خودتان مطلع باشید. اگر در گفتن یا اشاره به یکی از این کارها لزومی مینبییند، یعنی برای راهنمایی یا تشویق دیگری اگر آنها ضروری تشخیص میدهند، مواظب باشید بیش از حد لزوم مطلبی گفته نشود هر چه افراد کمتر از کار یکدیگر مطلع باشند بهتر است. خودتان هم کنجکاری نکنید اطلاعات خود را هر چه بیشتر محدود کنید.

یکبار دیگر نکات مهم را تکرار میکنیم:

۱ - نگذارید روحیه یاس و بدبینی بر شما حاکم شود از شکستهایی که در آغاز کار پیش میاید درس بگیرید و به ادامه نبرد و به صلابت بیشتر مبارزان امیدوار باشید. زنان را هر چه بیشتر به نقش مهمی که در انقلاب میتوانند داشته باشند آشنا کنید.

۲ - بهر وسیله ممکن به مبارزانی که تحت تعقیب پلیس هستند کمک کنید. خانه، اتومبیل، مغازه و یا هر وسیله دیگر در اختیار آنها بگذارید. کمک مالی به جنبش را فراموش نکنید.

۳ - اخبار عملیات چریکها را بهر نحو که شده پخش کنید. جنایات رژیم را افشا کنید. بهر نحو که

شده بخارج از کشور بفرستید.

۴ - مسأله مبارزه را مسأله روز خود و دیگران کنید. مسأله مبارزه اگر مسأله روز شود ابتکارک شما خواهد جویشد بطوریکه برای خودتان تعجب آور خواهد بود.

۵ - سعی کنید پلیس را گمراه کنید دشمنان را خسته کنید و با دادن اطلاعات دروغین به آنها به انقلاب یاری برسائید.

۶ - در هر کاری که بنفع انقلاب و علیه ضدانقلاب انجام میدهند هوشیاری خود را بکار اندازید. از خود رد پائی بجا نگذارید.

طبق اخبار رسیده از ایران، هلیکوپتر سرتیپ علی اکبر مولوی در اثر هدف گلوله قرار گرفت چریکها سقوط کرد و موجب مرگ این خیانکار شد. این شخص از موثرترین مهره های رژیم بود و کشتن او کم اهمیت تر از اعدام انقلاب فرسیو نیست. این شخص که افسر گروه ورژن لشکر ۲ گارد شاهی و از افسران گروه جانبازه بود در ۱۶ آذر ۱۳۳۲ بداننشکده فنی حمله کرد. یکی از جنایتکارترین افراد گروههای شکنجه گران ۲ زهی پس ۲۸ مرداد بود و خود این فرد شخص در دستگیری دکتر فاطمی شرکت و بهمین مناسبت از شاه مدال و تقدیرنامه گرفت. این عنصر کثیف که از پایه گذاران سازمان امنیت بود سالهای ۳۹-۴۲ رئیس سازمان امنیت تهران بود. از سال ۴۵ بعد به پست رئیس سازمان امنیت دهقانی منصوب شد و باهمکاری ژاندارمری سعی کرد شبکه های سازمان امنیت را در ده ایران گسترش دهد. پس از شروع مبارزه چریکی در ایران، وی به سمت رئیس تیمهای مختلف تعقیب ساواک - رکن ۲ - شهرستانی ژاندارمری منصوب شد و پست رئیس پلیس اطراف تهران فقط پوششی برای مسئولیتهای امن او بوده است و در جریان یکی از همین تعقیب بود که هلیکوپتر او مورد اصابت گلوله گرفت و بسزای خیانتش رسید. در ضمن این شخص کارگزار شخصی شاه در اداره کابینه مشهور «کلبه» در شمال تهران که از مراکز فساد و مواد مخدره میباشد، بوده است.

مجله ای آلمانی که درباره اسلحه شناسی انتشار مییابد، عکس يك مسلسل دستی را نشر کرد که توسط شاه سفارش شده است. مسلسل دستی از ۱۷۰ گرم طلا خالص، ۴۰۰ گرم نقره، ۴۵۰۰ گرم عاج و ۱۰۶ گرم جواهر (۶۲ تکه یاقوت هر تکه ۶ قیرات، ۴۴ تکه هر تکه ۵-۶ قیرات و ۲۰ چشم پلنگ) تزئین شده است. تاج سلطنتی و غیره روی آن حکاکی شده است. مجله پارادون آلمانی خبر میدهد که شاه برای این کار معادل چهارصد هزار تومان برداشته است.



این حق مسلم توده ها است که خشونت پهلیم را با خشونت انقلابی پاسخ دهند

اخبار

هم بشکنند . مثلا او را بتوبه بکشاند) ناصر گفته آقا میزانی « لقاء اله » یعنی چه ؟ ما میخواهیم شهید شویم . ما تسلیم نمیشویم آخوند درباری مزبور هم کاسه کوزه‌اش را جمع کرده و به ساواک گفته اینها بر گشتنی نیستند .

زنها و خواهران و مادران شهیدان و زندانیان در قم (صحن حضرت معصومه) بست نشسته بودند تا مراجع دینی برای جلوگیری از موج اعدامها اقدامی نکنند . در ابتدا تحریک مثبتی چشم نمیخورد ولی بعدا که افراد و روحانیون مترقی دخالت کرده‌اند ، آیت اله شریعتمداری نیز برای شاه پیغام فرستاده که یا بمحکومین به اعدام یک درجه تخفیف بدهید و یا پاسپورتهی بمن بدهید که به لبنان یا سوریه بروم .

روز ۲۸ اسفند ماه مادران و خواهران مبارزین چریکها جلوی مجلس سنا بست نشستند و شریف امامی را وادار کردند که به صحبتهای آنها توجه کند وی قول داد که به « شاهنشاه خواهد رساند » .

اعدام کرده است مسعود رجوی در دادگاه مزبور جزء ۴ نفر محکوم به اعدام بود که بعدا گویا بعلت فعالیت شدید برادرش در اروپا بخصوص سوئیس و فرانسه و دخالت شخصیتهای بین المللی نظیر وزیر اطلاعات فرانسه به حبس ابد با اعمال شاقه محکوم گردید . رژیم مزدور علت تخفیف حکم اعدام او را ، همکاری با رژیم معرفی کرد . ولی حقایق آشکارتر از آنند که احتیاج بگفتگو داشته باشند . (در شماره ۲۵ باختر امروز بدون اطلاع از این توطئه رژیم ، اشتباها خبر اعدام مسعود رجوی بجای علی باکری آمده که بدین وسیله تصحیح میشود)

طبق خبر روزنامه فرانسوی لوموند مورخه ۲۴ مه ۷۲ ، بین محکومین بزندان طاهر احمدزاده که دو فرزندش مسعود ومجید احمدزاده از چریکهای فدائی بودند ، بجرم دفاع از آنها به ده سال زندان محکوم شده است .

همزمان با فاجعه زلزله فارس که قریب ده هزار نفر کشته شدند و مناطق بسیاری ویران گردید ، روزنامه های خارجی از جمله روزنامه کرونی سائیتونک Kronen ZTG. اطریش در تاریخ ۱۵-۷۲ خبر دادند که شاه غارتگر و جنایتکار ایران جزیره‌ای بساحت پنج کیلومتر مربع در سواحل ایتالیا معادل چهار میلیون تومان خریداری کرده است . اسم این جزیره « بازیلوسو Basiluzo » میباشد که به فرح هدیه داده است .

حبیب رهبری که اخیرا در جریان یک زد و خورد در تهران بشهادت رسید از افراد فعال سازمان جوانان جبهه ملی ایران در سالهای ۳۹-۴۳ بوده و در جریان دستگیری گروه فلسطین نیز مدتی زندانی بود . این چریک قهرمان خلق پس از اخذ لیسانس از موسسه عالی حسابداری ، افسر وظیفه شد ولی از خدمت فرار کرد و داوطلبانه و با اخلاص تمام برای پیشبرد امر انقلاب مخفی شد و تا آخرین لحظه از طریق سازمان چریکی خود برای خدمت به خلق کوشید .

قسمتی از

نامه علماء بزرگ فارس به حضرت ایه الله العظمی میلانی مبنی بر تقاضای اقدام برای رفع خطر از جوانان مسلمان مجامدی که در ایران محکوم به اعدام شده اند

خطرات از جوانان مسلمان مجامدی که در ایران محکوم به اعدام شده اند

بسم الله الرحمن الرحیم

« فذكر فان الذكرى تنفع المؤمنين »

حضور محترم حضرت مستطاب آیه الله العظمی آقای حاج سید هادی میلانی دامت برکاته پس از عرض سلام و اخلاص بنظر میبرد آیه شریفه ای که در سر مقاله بنظر مبارک میبرد موردی ندارد زیرا حضر تعالی با دارا بودن شان بزرگ روحانیت وزعامت شعیان باید همیشه متذکر مسائل ومصائبی که بر مسلمانها وارد میشود باشید و در حفظ جان آنها کوشش فرمائید . ولی از آنجائیکه حادثه ای که خدای تبارک و تعالی در شرف وقوع است موجب تأثر جامعه روحانیت فارس گردیده و با کمال تأسف میچگونه اقدامی تاکنون از مراجع بعمل نیامده لازم بود جدا بمضمون آیه شریفه توجه فرمائید و داعیان این تذکر را داده باشیم قادر محضر عدل پروردگار عالم در مشاهد قیامت مسئولیتی از اینجهت نباشد ، لا بد خاطر مبارک مستحضراست که مدتی است عده‌ای ارجوانان مسلمان مجاهد که جز انگیزه دینی وجهاد در راه اسلام عزیز داعی دیگری نداشتند بناوبینی در محاکم نظامی محاکمه وحکم اعدام درباره آنها صادر شده است اینها حافظ و قاری قرآنند و در این روزگار تاریک مبلغ اسلامند ، همه جوانند ، اهل نمازند .

موجی از اعتراض روحانیون علیه کشتارهای رژیم ایجاد شده است . آیت اله قاضی (تبریز) ، آیت اله شریعتمداری (قم) - آیت اله میلانی (مشهد) اعلامیه‌هایی داده‌اند و نامه‌هایی برای دولت فرستاده‌اند . همچنین روحانیون شیراز ، آقای شیخ بهاءالدین محلاتی وعده‌ای دیگر نیز تلگرافی به آیت‌الله میلانی زده و نسبت به سرنوشت فرزندان خلق اظهار نگرانی کرده‌اند در همین شماره قسمتی از نامه علماء فارس درج میشود .

روز عاشورا که دکتر علی شریعتی در حسنیه ارشاد سخنرانی میکرده است بعد از اتمام صحبتهایش وقتی مقداری دعا میکند ، یکی از زنان از طبقه فوقانی که مخصوص خانها است بلند میشود و در حالیکه رویش را کاملاً گرفته بود که شناخته نشود میگوید :

پس چرا برای مجاهدین اسلام و فرزندان ما دعا نمیکنید بعد هم فریاد میزند که درود به قهرمانان و مجاهدین اسلام . در میان مردان همیشه در میگیرد و صدای شعار دادن بالا میگیرد و مردان نیز همکاری میکنند . بعد هم تراکتی از طبقه فوقانی میان مردم پخش میشود که روی آن نوشته بوده است : ملت قهرمان مسلمان برای نجات جان مجاهدین خود بپا خیزید .

بدر دکتر علی شریعتی ، آقای محمد تقی شریعتی استاد دانشگاه مشهد در منزل آیت‌الله شریعتمداری بست نشست تا ایشان نیز برای مبارزین خلق اقدامی بکنند .

رژیم با وجود وحشتی که از عکس‌العمل جنسایت خود در اعدام و کشتار چریکها دارد معینا بتصور خود بنو دلیل باین کار ادامه داده است . ترس از انتقال تجارب انقلابی و ترس از گرفتن گروگان ماشین پائی که در ربودن شهرام رژیم مدعی بود کشته شده ، زنده است و حتی ۲۰۰۰۰ (بیست هزار تومان) باو جایزه داده شده بعلاوه معلوم شده او ماشین پا نبوده بلکه محافظ شهرام بوده است . با وجودیکه در کیفر خواست دادگاه هم هیچ دلیلی مبنی بر کشته شدن او داده نشده رژیم میخواهد بدین وسیله خون نریخته‌ای را بگردن رسول مشکین‌قام مجاهد رشید بیاندازد و او را بکشد .

بعد از شهادت احمد رضائی ، اولین شهید سازمان مجاهدین خلق ایران ، این سازمان سه تن دیگر از مجاهدینش را طی عملیات انقلابی از دست داده است . بعلاوه ۴ رزمنده دیگر این سازمان ، مهندس علی باکری ، مهندس ناصر صادق ، مهندس علی میهن دوست و محمد بازرگانی توسط جوخه اعدام بشهادت رسیدند . مهندس علی اصغر بدیع زادگان نیز در زیر شکنجه بشهادت رسید . شایان تذکر است که علی باکری جزء ۴ نفری که در دادگاه گروه اول به اعدام محکوم شدند و رژیم بدون محاکمه مجدد او را بجای مسعود رجوی

بهاالدین محلاتی ، محمد جعفر طاهری ، محمود علوی حسین الیزدی ، محمد جعفر طاهری ، سید محمد امام ، محمد کاظم الموسوی آیه اللهی ، محمود علوی حسین الیزدی ، صدر الدین حائری ، سید احمد پویا

صدر الدین حائری

محمود علوی حسین الیزدی

صدر الدین حائری

محمد جعفر طاهری

سید محمد امام

سید احمد پویا

بهاالدین محلاتی

عبدالحسین د مستقیب

محمد کاظم الموسوی آیه اللهی

ظفر مند باد جنک عادلانه خلق

اخبار

در طی دو ماه اخیر بیش از ۲۰ سلسله عملیات قهر آمیز انجام شده است. از جمله انفجار اتوبوسهای مستشاران خارجی، پلیس و ارتش (بدون سرنشین)، انفجار پاسگاه پلیس بازار، انفجار بانک عمران سرچشمه (۲۱۵)، و انفجار دفتر مجله « این هفته » (پلی بوی ایران) در روز ۱۴ اردیبهشت. مدیر این مجله جواد علامیر دولو است که عنصری است ساواکی و گزارش دروغی را به روزنامه لوموند فرستاده بود مبنی بر اینکه مجاهدین و انقلابیون ایران « افرادی هستند رفرمیست و دست راستی افراطی و ... » در این انفجار نویسنده و طراح مجله جزء ۵ نفر از زخمی شدگان هستند.

روز ۱۶ اردیبهشت مهدی رضائی، برادر مجاهد شهید احمد رضائی در حالی که بسته ای در دست داشته و از خیابان خورشید عبور میکرد مورد سوءظن گشتی پلیس واقع میشود. (او قبلا هم یک درگیری با پلیس در همین خیابان داشته که فرار کرده بود) به او ایست میدهند. او افسر پلیس را که علاءالدین جاوید نام داشت هدف گلوله قرار میدهد ولی خودش زنده دستگیر میشود. مهدی را که جوانی است ۱۹ ساله، ۱۲ ساعت تمام در شهربانی با سیم بکسل کتک میزدند و او لب از لب نکشود. درود به انقلابیون و مجاهدان راه رهایی خلعت که در سخت ترین شرایط پلیسی و دیکتاتوری همه چیز خود را در راه انقلاب مایه میکنند: درود و آفرین به مادر مهدی که مادر احمد و رضا و محسن رضائی نیز هست. مادری قهرمان که نمونه یک مادر رزمنده خلق ماست. سهمی که زنان شجاع و با ایمان چون او در انقلاب ایران دارند کم اهمیت تر از سهم فرزندان مجاهد آنان در راه رهایی نیست. درود به مادران انقلابیون و خانواده های آنان که عزیزترین جوانهایشان را در راه انقلاب عادلانه ایران فدا میکنند. چنین مادرانی درین مردم ما کم نیستند. تعدادشان و مقاومتشان روزافزون باد. زنده باد انقلاب مسلحانه و عادلانه خلق که تنها زمینه پیدایش و رشد دلاوریهاست.

علی اصغر منتظر حقیقی مجاهد شهیدی که رژیم شهادت او را روز ۱۸ اردیبهشت اعلام کرد کیست؟ علی اصغر منتظر حقیقی مهندس شیعی فارغ التحصیل دانشکده آریامهر بود. سه هفته قبل از روزی که رژیم اعلام کند، با یکی از عناصر ضعیف در نقطه ای قرار ملاقات داشته و وقتی میروند منطقه را در محاصره نیروهای دشمن میند. با آنها درگیر میشود و دو تن از آنها را مورد اصابت گلوله قرار میدهد که شاید کشته شده باشند و سپس در حالی که یک تیر به پشت و یکی به پشت پایش خورده بود (از پشت سر به او تیر اندازی کرده بودند) با یک وانت از مهلکه میگریزد و به خانه یکی از اقوامش می رود. دشمن شماره وانت را بر میدارند. پس از حدود سه ساعت از طریق وانت منطقه ای را که اصغر در آن پیاده بود پیدا و محاصره وسیع مینمایند و دست به گشت منطقه ای میزنند و بالاخره به منزلی که اصغر در آن بوده میرسند. اصغر که دیگر اسلحه اش کار نمیکرد با قرص سیمی که در اختیار داشته خود کشتی میکند. نیروهای دشمن که با اسلحه و مسلسل در منطقه حاضر شده بودند پس از اطمینان از اینکه اصغر یا شهید شده و یا بیهوش گردیده به خانه هجوم برده بدن بیجان او را به مسلسل میندند و بعد جسدش را کین توزانه زیر کتک و مشت و لگد میگیرند. این قضیه در ۳۱ فروردین ۵۱ اتفاق افتاد. رژیم شهادت او را پس از سه هفته اعلام کرد. یعنی همراه با خبر کشته شدن افسری بنام جاوید.

مهندس علی اصغر بدیعزادگان مجاهد دلاور خلق که در زیر شکنجه توسط اجاق الکتریکی قلع شده بود اخیرا در زیر شکنجه بیگم شهادت نائل آمد. قهرمانی این انقلابی غیور الهام بخش مبارزین خلق خواهد بود.

در میتینگ فرمایشی بهارستان ۱۵ بمب منفجر شده آکه همه صوتی بوده اند بدین منظور که به مردم صدمه نرسد و فقط تظاهرات بهم بخورد و تلفات وارد نیاید انفجاری هم که مرگ علی فیاضی انجامید از یک بمب صوتی بود که احتیالا با برتاب سنگی که نزدیکی آن قرار داشته او را زخمی کرده است. در اثر این انفجار رک پای علی فیاضی پاره شده بود که در اثر سهیل انگاری عمدی و دیر رساندن او به بیمارستان در گذشت والا زخم او شدید نبوده است. بمبهای صوتی در کلیه سپرهای هنرمندان، فرهنگیان، دانشجویان، کارگران قرار داشت و وقتی که منفجر میشد صفها پراکنده میشدند و مردم فرار میکردند و پلیس با چوب و باتوم آنها را میزد که در صف جمع کند. سه بمب صوتی در زیر تریبون سخنرانی منفجر شد که همه نمایندگان مجلس که روی سکو نشسته بودند بشدت ترسیده و فرار کردند. و دیگر حاضر نشدند به پشت تریبون بروند و آنان که بنا بود سخنرانی کنند زود مجلس را ترک کردند و وحشت بر میدان حکمفرما بود و هرگز آن کسی انتظار داشت که بمبی منفجر شود. باین ترتیب با عمل و تاکتیک مبارزین پیشاهنگ خلق، نمایش ارتجاع با بدترین وضع بیان رسیده و مردمیکه با زور سرنیزه برای تظاهرات جمع شده بودند از نزدیک قدرت چریکهای پیشاهنگ را مشاهده کردند. و خود این باعث میشود که از این پس در مقابل فشار رژیم برای شرکت در تظاهرات فرمایشی مقاومت کند.

در تظاهرات یک هفته بعد در دانشگاه بمنظور اعتراض به اعدامها و زندانها و شکنجهها یک نارنجک دستی ساخت فرزندان وطن بطرف پلیس دانشگاه پرتاب شد که منجر به زخمی شدن سه پلیس گردید و این پاسخ به اقدامات و خستونتهای پلیس از این بیعت خواهد بود. روز بعد دانشجویان به بازار ریختند که به زد و خورد با پلیس منجر شد.

صبح روز بعد از آن پاسگاه پلیس جلو بازار در اثر یک انفجار به هوا رفت. همه شب در تهران تعدادی از ماشینهای ارتشی و دولتی منفجر میشوند. مبارزین پیشاهنگ خلق رژیم ارتجاعی را بیش از پیش هراسان میکنند. ساواک و شهربانی تعداد زیادی گشتی یا لباس شخصی و اونیفورم به خیابانها فرستاده اند که هر حرکت مشکوکی را به رگبار میندند. یکی از مبارزین مجاهدین خلق ایران بنام سید محمد رضا میرمحمد صادق دانشجوی سال ۴ اقتصاد دانشگاه تهران جندی قبل سوار بر موتور در حرکت بوده ماشین گشتی باو مشکوک شده او را برگیزار میندند و بشهادت میرسد. این شخص شناخته شده نبوده و فقط بخاطر سرعت و عدم توقف باو شلیک میکنند.

در منزل ناصر صادق، پس از شهادت او، مجلس یادبودی برقرار میشود که بسیار شلوغ بوده است. ساواکی ها اطراف خانه را با مسلسل محاصره کرده بودند.

تهران در حال حاضر بطور غیر رسمی حکومت نظامی است. تقریباً هزار گشتی که سبکی لباس شخصی دارند شبانه روز در خیابانها به گشت مشغولند و به کمترین چیزی که مشکوک شوند دست به بازجویی و تجسس میزنند. همچنین دست به بازداشت های بی دلیل میزنند. کمیته ای در اداره شهربانی مرکب از تمام نیروهای امنیتی تشکیل شده بنام « کمیته ضد خرابکاری » که با احتمال زیاد رئیس و رهبری کننده اش پرویز نابتی است. گشتی های فوق الذکر با این کمیته کار میکنند و وسیله آن تبلیغات لازمه را فرا میگیرند. آنها سال ۵۱ را سرنوشت اعلام کرده اند که در صورت قلع و قمع انقلاب تا ۲۰ سال آسوده

خواهند بود و در غیر این صورت کار دشوار خواهد شد. بدون شک کار در این شرایط مستهوسبیری و جسارت فوق العاده میباشد. تعداد اعدام شدگان اخیر از سازمان چریکهای خلق ۲۷ نفر بوده است. دولت تنها نام ۱۹ را اعلام کرده است.

شایعه اتحاد چریکهای فدائی خلق و سپاه مجاهدین خلق ایران بهمسئان اندازه که خوشحالی فوق العاده مبارزین است موجب وحدت فوج العاده ساواک و مرتجعین ایران شده است در دادگاه گروه اول « از سازمان مجاهدین خلق ایران » پس از اعلام رای، ساواکیها درجا مبارز را کتک مفصلی زده اند که چرا اینچنین از خود کرده و چون ایشان از دادن تقاضای تجدید خود داری کردند رژیم ۴ روز مدارم آنها را شلیک کرد تا اینکه اول تقاضای تجدید نظر کنند و آنچه را که ساواک به آنها زدیکه کرده باز کنند. این مجاهدین جان پر کف سخت مقاوم کرده اند و بالاخره ساواک از جانب خودش دادستانی ارتش برای ایشان تقاضای تجدید نظر کرد.

این روزها مامورین ساواک به در خانه ها افتاده اند و سوالاتی راجع به تعداد افراد خانواده از این قبیل مینمایند. این عمل در واقع بر ارزیابی منازل و ساکنین آنها میباشد در مواردی که به چیز غیر عادی بر خورد کنند بزور میشوند بهتر است مردم این ماموران ساواک بشناسند و حساب آنها را تصفیه کنند. همه پلید این ماموران ارتجاع دستگیری انقلابیون است شایع است که چندی پیش از طرف انقلابیون از کوششی صورت میگیرد که عامل رسوای رژیم پرویز نابتی را ترور کنند هنگامیکه او در اتومبیل خود سوار بوده ماشین چریکها با سبقت گرفتن او و شلیک باو در حال عبور از کنارش قسم اعدام او را میکنند و او را برگیزار مسلسل میندند. نابتی که لحظه ای پیش از شلیک متوجه بیرون آمدن مسلسل از شیشه ماشین چریک میشود خود را مخفی میکند و جان سالم بدر میبرد ماموران سازمان امنیت جرات آنکه خود مستقل داشته باشند ندارند و از ترس، تحت حفاظت پلیس در جاهای مخصوص و تحت مراقبت به زندگی تنگن خود ادامه میدهند.

زنان و مادران و خواهران مبارزین پیشاهنگ از سازمانهای چریکهای فدائی و مجاهدین خلق گروههای دیگر متحدا به اقدامات افشاگرانه خود ادامه میدهند. از جمله آنها در بر انگیزختن مویر اعتراضی در میان روحانیون موثر بوده اند، آنها در گروه های ۵-۴-۵ نفری دائما باین طرف آنطرف میروند و تبلیغات و افشاگری میکنند بمنظور روحانیون رفته اند و از آنها مصرا نه خواسته اند آنها به وظیفه خود عمل کرده به دفاع از مبارز راه آزادی بپردازند در نتیجه حتی آیه الله شریعتمداری، طباطبائی، نجفی، تلکرافی پدرو زده و اعلام خطر کرده اند که اگر این فرزندان خلق اعدام شوند موج شورش از طرف ملت مسلما ایجاد خواهد شد. در بار هم توسط کسی که از آنها فرستاده گفته است که ما قصد اعدام اینها را نداریم و هر چه میخواستیم کوتاه نمایند و دادگاه و زندان خیلی زبان درازی میکنند و خودش برای اعدامشان به ما فشار وارد میاورند. (توجه کنید که رژیم چگونه دروغ میبافد و میخواهد ددمنشی خود را توجیه کند. ساواک آخونیست صادق فرستاده بوده است که او را رام کنند (یعنی در واقع او را تسلیم کند مقاومت او را د

تهانی بستی
P.O. Box 7229
Beirut, Lebanon

تهانی باتکی
Chase Manhattan Bank
Beirut, Lebanon
Account L-18896

ایران ۲ ریال
لبنان ۱۵ قروش
عراق ۱۰ فلس
کویت ۱۰ فلس
ترکیه ۲۵ قروش